

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله

و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد بحثی که الان در اینجا مطرح است در بحث مقدمات البته در کتاب های قدیم بحث به این صورتی که اینجا الان شده است نبوده چون این به اصطلاح این طرح مساله فقط به عنوان مقدمه بوده همیشه فرق نگذاشتند در مقدمه بودن بین اینکه قبل از وقت باشد یا بعد از وقت باشد لکن خوب در اصول متاخر شیعه عرض کردیم مسائل جدیدی را در اصول مطرح کردند که جای توجه دارد .

یکی اش این است که مرحوم نائینی می فرمایند در مواردی حفظ قدرت قبل از وقت وجوب در آنجا لازم است در بعضی از موافقت نه این ، سر مطلب را می خواهند شرح بدهند طبق قاعده . ایشان در اینجا فرمودند به اینکه اگر قدرت عقلی باشد چون دخیل در ملاک نیست ، اگر شرعی باشد شرعی هم نظیر قدرت عقلی اخذ شده همان طور حکمش همان طور است اگر شرعی اش به نحو خاص باشد فرق می کند این خلاصه ی نظر مبارک ایشان است .

اما شرح مطلبی را که فرمودند :

ویندرج فی هذه القسم ،

که قدرت درش هست و مراد آن قدرت ولو در لسان دلیل اخذ شده لکن به معنای همان قدرت عقلی است به معنای قدرت ؛

مسألة حفظ الماء قبل الوقت ،

که قبل از وقت ، می خواستند این را قاعدتا درست بکنند ؛

فان القدرة علی الماء انما اعتبرت شرعا ،

عرض کردم اینجا مراد ایشان این است ؛ فان القدرة علی الماء انما اعتبرت شرعا فی الوضوء ، کلمه ی فی الوضوء افتاده چاپ نشده است از چاپ افتاده است ، چون در آیه ی وضوء عرض کردیم قدرت نیامده است ، اذا قمتم الی الصلاة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم درش قدرت ندارد ، قدرت در تیمم آمده فلم تجدوا ماء فتميموا صعيدا طيبا ، اما در وضوء کلمه ی قدرت نیامده حفظ قدرت در وضوء نیامده است . فلم تجدوا ؛

..... حيث إن التفصيل قاطع للشركة ،

عرض کردم یک مبنایی است که مرحوم نائینی دارند و تکرار می کنند در مسائل فقهی هم هست این مساله فقط اختصاص به اینجا ندارد که اگر یک حکمی مطلق آمد بعد تفصیلی داده شد این تفصیل جلوی آن اطلاق را می گیرد . چون دلیل آمد که اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا یعنی بشوید شستن ، خوب شستن دیگر قاعدتا با آب است دیگر ، اما بعد فلم تجدوا ماء ، اگر آب پیدا نکردید ، فتمموا ؛ پس معلوم می شود تیمم مقید است به عدم وجدان ماء ایشان می خواهند بگویند این وجدان ماء در اینجا در لسان دلیل آمده است لکن به معنای عقلی است خلاصه ی بحث ایشان ، روشن شد ؟ لم تجدوا به معنای قدرت مطلق قدرت ، دخیل در ملاک نیست .

پس اگر در تیمم لم تجدوا هست از اینکه تفصیل داده شده پس در وضوء هم باید دلیلش وجدتم الماء باشد اذا قمتم الى الصلاة فوجدتم الماء باید اینطور باشد عادتاً دیگر چون در تیمم گفت فلم تجدوا ماء ، آن وقت این لم تجدوا را به معنای مطلق قدرتی گرفتند به معنای قدرت عقلی گرفتند ولو در لسان دلیل آمده لکن قدرتش قدرت عقلی است .

پس در اینجا اگر چه در لسان دلیل و شرعی است به همان معنای قدرت عقلی یعنی مطلق توانایی ، پس آن که شرط است در وضوء قدرت هست لکن به معنای عقلی اش به معنای واسع خودش نه ، آن وقت مراد از ایشان به نحو شرعی که در مقابل نحو واسع اگر در لسان دلیل قدرت به نحو خاصی اخذ شد آن فرق می کند باید آن قدرت باشد .

حيث إن التفصيل قاطع للشركة ،

این حیث دلیل است برای اینکه در دلیل وضوء هم قدرت هست وجدتم الماء ، چون در دلیل تیمم آمده که تیمم در صورتی است که آب نباشد پس وضوء در صورتی است که ؛

فيظهر منه ان الوضوء مقيد شرعا بوجدان الماء ، ويعد قيام الدليل على وجوب حفظ الماء قبل الوقت -

چون دلیل قائل شده که حفظ ماء قبل از وقت باید باشد ایشان می فرمایند :

على ما حكى شيخنا الأستاذ مد ظله ، بأنه وردت رواية في ذلك ، وان لم أعثر عليها -

حاشیه هم در اینجا زده من نشد مراجعه ی جدید بکنم واقعه ش با این بی حالی هایی که داشتیم مراجعه ی جدیدی نکردم که آیا واقعا ، چون عرض کردم یکی از تقریرات دیگر هم که تقریبا برای همین دوره است و آن هم اخیرا چاپ شده به نام التقریرات العالیة برای مرحوم

آقای لنگرودی نشد آن هم دارم اما نشد به آن مراجعه کنم ببینم ایشان در اینجا از مرحوم نائینی چه نقل کردند علی ای حال ایشان می فرمایند:

بأنه وردت رواية في ذلك يستفاد منه : ان القدرة المعتبرة في الوضوء انما تكون على نحو القدرة العقلية وبتلك السعة ،

این قدرت قدرت عقلی است ، حالا واقعا نمی دانم حالا یا ما واقعا نمی دانیم ، تعجب ما ، شما بنایتان بر این بود که الان مطلب را طبق قاعده بگویید می گوید روایت خاصه وارد شده خوب طبق قاعده نشد دیگر از قاعده خارج شدید ، شما می گوید طبق قاعده می خواهید بیان کنید ، نائینی می خواهند طبق قاعده بگویند که پندرج قدرت در اینجا از این قسم آن وقت می گویند روایت وارد شده که حفظ ماء قبل الوقت بکنید ، خوب اینکه قاعده نشد دیگر این دلیل خاص آمد اینجا دلیل خاص آمد که قدرت قبل از وقت هم فرق نمی کند ، بعد از وقت و قبل از وقت یکی است ، تعجب می کنم چطور شده من نمی فهمم من که هنوز سر در نیاوردم ، چون مرحوم نائینی خوب واقعا فوق العاده است هم در مباحث اصولی ، فقهی حالا چطور ایشان در اینجا می خواهند طبق قاعده درست بکنند ؟

شاید می خواهند طبق قاعده بگویند خوب معلوم می شود قدرت خیلی اوسع است خیلی خوب اگر ثابت شد که جای بحث نیست که آن وقت چرا می گوید روایت وارد شده خوب با روایت ثابت شد ، با روایت ثابت شد که یک قدرت به نحو سعه اخذ شده است ، خوب اگر به نحو سعه اخذ شده است جای بحث ندارد .

البتة مرحوم آقای کاظمی قدس الله نفسه اینجا هم باز حاشیه زدند ایشان :

ولازم ذلك هو لزوم تحصيل الماء قبل الوقت ، والظاهر : انه لا يلتزمون بذلك ، فتأمل - منه .

ایشان می گوید اگر به این سعه قائل شدیم باید بگوییم اگر آب هم نبود قبل از وقت تحویل بکند اگر شما به این سعه قبول کردید بعد البته یک فتأمل هم دارد که شاید فرق باشد بین این دوتا . عرض کردیم فرقی این است ، این درست است این مطلب لکن احتیاج نه به روایت داریم نه به اینکه تفصیل قاطع للشركة .

من فکر می کنم شاید مرحوم نائینی که التفصیل قاطع للشركة آیه ی مبارکه همان طور که در کتاب کفایه آمده ، در کتاب کفایه آیه را این جور نقل کرده فان لم تجدوا ماء ، خوب اینجا تفصیل قائل شده شرط است دیگر شرطیت است ، فان لم تجدوا ماء ، شاید در ذهن مبارک ایشان قرائت آیه ی مبارکه به آن صورت بوده فان لم تجدوا والا آیه همان طور که ایشان در اینجا نقل کرده ایشان درست نقل کرده آیه همین جور که ایشان نقل کرده فلم تجدوا ، من جاء احد منكم من الغائط او لامستم النساء او من كان مريض او على سفر فلم تجدوا ، فلم تجدوا

قید نیامده یعنی قیدی برای تیمم است آن هم در این چهار حالت البته ، حالا خود عده‌ای از علما ادعا کردند که این آیه به قول مشهور جزو متشابهات است من نمی‌خواهم فعلا وارد بحث تفسیر آیه بشوم واقعا هم خوب مشکلات دارد یعنی مشکلاتی در آیه‌ی مبارکه مطرح است اذا قمتم الى الصلاة .

و خصوصاً که بنا بر مشهور در به حساب السنه‌ی حتی علما اذا قمتم الى الصلاة یعنی اذا اردتم الصلاة ، قمتم قیام به صلاة یعنی شما اراده‌ی نماز کردید لکن در یک روایت صحیحه دارد که اذا قمتم الى الصلاة ای من النوم ، یک روایت صحیحه دارد که من النوم ، این قیام از نوم است ، آن وقت لذا این آیه را مشکل می‌کند که این آیه مختص می‌شود به باب نوم بقیه‌ی احداث را نمی‌گیرد مثل بول و این جور چیزها را نمی‌گیرد لذا می‌گوییم این آیه یک مشکلی دارد یکی هم به قرینه‌ی خود آیه چون بعد دو مرتبه دارد که و ان جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء این دو حالت ،

یکی از حضار: این من النوم کجاست روایتش ؟

آیت الله مددی: من ابی جعفر است به نظرم ، صحیحه است نه مشکل ندارد ، در اول تیمم نگاه کنید در باب چیز فلم تجدوا ماء ، اینکه اذا قمتم را به معنای اذا قمتم من النوم معنا کرده حالا ما چطوری این را درستش بکنیم می‌گوییم یک مشکلاتی خود این روایت مبارکه دارد از جهت دیگر هم خود آیه هم مشکل دارد چون دارد و ان جاء احد منکم من الغائط یک حالت است ، یک حالت اینکه او لامستم النساء این دو تا حالت ، حالت حدث اکبر و حدث اصغر ، او لامستم النساء البته این بحث باز خودش دارد که اهل سنت لمس نساء را مطلقاً ناقض می‌دانند در روایت ما تفسیر به آمیزش جنسی شده مطلق نیست ، حالا این هم می‌گوییم این خیلی بحث دارد من نمی‌خواستم ، نمی‌خواهم هم وارد بحثش بشوم ، بعد دارد و من کان مریضاً ، بله آقا ؟

یکی از حضار: ...

آیت الله مددی: نه روایت دارد من می‌دانم ، نه درش شبهه ندارم ، روایتش را شاید ده‌ها بار خواندیم ، از ابی جعفر هم هست نیست ؟
عن ابی جعفر علیه السلام اذا قمتم الى الصلاة

یکی از حضار: عن ابی جعفر

آیت الله مددی: بله از ابی جعفر عرض کردم نقل شده ، دیگر کم کم داریم محدث زمان می‌شویم حدیث را در ذهنم فقط مضمونش نیست ، ای اذا قمتم من النوم تفسیر شده قمتم به معنای قیام از نوم .

عرض کردم در مغنی هم دارد همین آیه را که اذا اردتم به معنای فتمم و در کتب آیات الاحکام زیاد دارد تصادفا ذیل این آیه چون در کتب آیات الاحکام مستقلا نوشته شده است در ذیل آیات الاحکام زیاد آمده است این آیه یعنی یک جوری نیست که این آیه فقط اینجا الان مرحوم نائینی آوردند خیلی

یکی از حضار: تهذیب دارد.

آیت الله مددی: از حسین بن سعید نقل می کند؟

یکی از حضار: از حسین بن سعید نقل می کند

آیت الله مددی: از حریز برمی گردد؟

یکی از حضار: نه، حسین بن سعید عن ابن ابی عمیر عن ابن اذینه عن ابن بکیر

آیت الله مددی: ها ابن بکیر، مشکل ندارد خوب است روایت فقط همین چون حسین بن سعید مصنف بوده مشکل دارد و انفراد شیخ طوسی.

علی ای حال دقت فرمودید چه می خواهم عرض کنم، اما روایت اصطلاحا صحیحیه است یعنی مشکل خاصی ندارد، عبدالله پسرش گفته شده که فطحیه است خود پدر نه، این پدر عبدالله است بکیر بن اعیین برادر زراره، ابنی اذینه،

یکی از حضار: در تهذیب ابن بکیر است.

آیت الله مددی: عجب، پس چرا خواندند بکیر

یکی از حضار: در تفسیر عیاشی بکیر بن اعیین است

آیت الله مددی: ها اگر ابن بکیر باشد می شود جزو موثقات به اصطلاح به خاطر اینکه عبدالله فطحی است، اگر خود بکیر باشد نه، تفسیر عیاشی می فرمایند از بکیر نقل کرده است.

علی ای حال یک مشکلیش این است که این دو حالت را در اینجا در ذیل آیه آورده یکی حدث اصغر و ان جاء احد منکم من الغائط و یکی هم حدث اکبر او لامستم النساء روی تفسیر شیعه عرض کردم این آیه خیلی بحث دارد ها به خلاف آنچه که ابتداء در ذهنتان خیلی ساده می آید، بحث های زیادی دارد، بعد و ان کان مریضا آیه را در ذهنم خود آیه را الان این قسمتش را

یکی از حضار: و ان کنتم مرضا

آیت الله مددی: ها و ان کنتم حالا این چه حالتی است و ان کنتم مرضا مثلاً چه ربطی به این دو تا حدیث دارد اصلاً نه به حدیث اکبر ربطی دارد نه به حدیث اصغر، و ان کنتم مرضا او علی سفر فلم تجدوا ماء، این لم تجدوا به عنوان، فان لم تجدوا نیست فلم تجدوا این قید است برای آن شرط و ان کنتم مرضا او

یکی از حضار: و ان کنتم جنباً فاطهروا، و ان کنتم مرضا او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء

آیت الله مددی: به عکس

آن وقت یکی از مشکلات دیگر را باز خود این آیه مبارکه یکی دارد فان کنتم مرضا فلم تجدوا این معنایش این است که اگر مریض بود آب هم برایش ضرر داشت باید وضوء بگیرد، لم تجدوا چون آب دارد، مثل مسافر چون مسافر را عطف بر مریض کرده است، هم چنان که مسافر اگر آب داشت باید وضوء بگیرد نوبت برای تیمم نمی رسد فلم تجدوا، مریض را هم همینطور گفتند، که مریض را هم اگر که، اگر آب باشد باید وضوء بگیرد ولو بلغ ما بلغ ها این هم گفته شده ولو بلغ ولو ضرر داشته باشد حالا در وضویش خیلی مشکل نیست اما خواسته باشد غسل بکند خیلی مشکل است ولو بلغ ما بلغ یعنی ولو مریض شدید باشد و اینها این هم یک روایت واحده دارد که این هم یکی از معضلات روایات است که امام صادق فرمودند مریض بودم شدید هم مریض بودم وقتی می گفتم من را بردارید روی تخت بگذارید به حیثی که امام نمی توانستند حرکت کنند و گفتند حتماً باید آب بریزید این هم برای هشام است هشام بن سالم، هشام بن حکم است روایت خیلی هم سند دارد خیلی هم عجیب است با اینکه روایت نمی شود قبولش کرد از آن موارد عجیبی روایات ما یکی اش این روایت است که اصلاً اینقدر امام مریض بود که اصلاً نمی توانستند روی تخت بنشینند دراز کشیدند گفت من را برداشتند حملونی بعد روی چیز گذاشتند و آب روی من ریختند.

این روایت ظاهرش این است که انسان مریض بلغ ما بلغ باید وضوء بگیرد، غسل بکند، بلغ ما بلغ ولو مریض شدید هم باشد چون دارد فلم تجدوا ماء مریض با عدم وجدان ماء، اگر مریض بود و وجدان ماء داشت این باید مثلاً وضوء بگیرد مثل مسافر چون عطف به سفر هم شده است چون و ان کنتم مرضا او علی سفر، مثل مسافر می شود دیگر در باب مسافر هم اگر آب بود باید وضوء بگیرد دیگر باید غسل کند اگر آب نبود باید تیمم کند.

یکی از حضار: قید لم تجدوا فقط به سفر نمی خورد؟

آیت الله مددی: همین یکی از مشکلات آیهی مبارکه همین است حالا و ان کنتم مرضا او علی سفر او جاء احد این دو تا حالت را به دو تا حالت عطف کرده که به هم نمی خورند اصلا ، دو تایش

یکی از حضار: مفهوم می گیریم دیگر اگر آب داشت ، اینجا مفهوم دارد ؟

آیت الله مددی: مجموع قید است ، مجموع است ، فان لم تجدوا نیست مفهوم ندارد ، اضافه کرد .

علی ای حال این مطلب ظاهرا ایشان قرائت آیه را فان لم تجدوا خواندند شاید در درسشان قرائت آیه این مطلبی که ایشان گفتند تفصیل قاطع شرکت است درست در نمی آید . علی ای آن هم یک روایت مفصلی است نمی دانم هشام بن سالم است یا سلیمان بن خالد است ؟

یکی از حضار: عبدالله بن

یکی از حضار: و اخبرنی الشیخ رضوان الله تعالی

آیت الله مددی: خیلی سند دارد از عجایب روایات یکی از کارهای مشکل در روایات ما این است ، این روایت است .

یکی از حضار: غائظ هم دارد دیگر ، یک روایت هم دارد که می گوید یکی را برد غسل دادم مرد ، امام فرمود چرا گفتم

آیت الله مددی: بله آن برای چیز است برای غسل جنابت است الا یمموه ، چرا آن هم دارد ، فکز کزاز مرض همین الان ایرانی ها می گویند کزاز دیگر مرض کزاز مبتلا بود ظاهرا یک نوع مرض پوستی بود به حساب زمین خورده بود که آب که ریختند بدنش ورم کرد ، چرا دارد آن روایت هم دارد فکز هم دارد درش ، آن عبارت فمات ، الا سالتموه

یکی از حضار: عناصر سفر و اینها ، یک باریک مریضی را نمی توانیم حرکت بدهیم برای آب پیدا کردن ، اگر سفری آب پیدا نمی کنی و آن دو حالت دیگر ، در غسل مریضی و حرج و ضرر از یک جای دیگر باید استفاده بشود این قید پیدا نکردن آب است .

آیت الله مددی: البته یک بحثی دارد که به مثل لا حرج و اینها وقتی رجوع می کنیم که دلیل خاص نباشد می گویند اینجا دلیل خاص وجود دارد .

یکی از حضار: این دلیل خاص آب پیدا نکردن برای این است .

آیت الله مددی: این را ما می دانیم الان حکم این است می دانیم اما این روایت خیلی عجیب است ، حالا البته بحث ما طولانی شد می خواهید بخوانید برای نمونه که این چقدر سند دارد حالا خیلی عجیب است ، یکی از عجایب کار این روایت مخصوصا اگر از جامع

.....
الاحادیث بخوانید یکی اش چون اخبرنی الشیخ ، خواندید از جامع الاحادیث مراد مرحوم شیخ مفید است ، شیخ طوسی از شیخ مفید بفرماید .

یکی از حضار : عن ابی جعفر محمد بن علی عن محمد

آیت الله مددی : مراد ابی جعفر صدوق است رحمة الله علیه عرض کردم صدوق به بغداد آمده میراث قم را ، البته احتمال دارد که کتاب فهرست صدوق باشد یا اجازاتی که ایشان داده برای کتب اصحاب سال ۳۵۲ ، ۳۵۳ ایشان به بغداد آمده است و مرحوم شیخ مفید و عده ای از مشایخ بغداد از ایشان اخذ حدیث کردند درست است این مشکل سندی ندارد بفرماید .

یکی از حضار : عن محمد بن الحسن

آیت الله مددی : این محمد بن الحسن مراد ابن الولید هست همان معروف بله بفرماید .

یکی از حضار : عن سعد بن عبدالله و احمد بن ادریس

آیت الله مددی : حالا سعد بن عبدالله عرض کردم شذوذ دارد اما احمد بن ادریس اضافه به آن کرده خوب احمد بن ادریس جزو اجلاء است از اشاعره هم هست در کتاب کافی زیاد هست ابو علی اشعری ، ابو علی اشعری همین ایشان است احمد بن ادریس بفرماید .

یکی از حضار : عن احمد بن محمد

آیت الله مددی : احمد بن محمد عادتاً مرحوم اشعری باید باشد احمد اشعری بفرماید .

یکی از حضار : عن حسین بن سعید

آیت الله مددی : این طریق ظاهراً مرحوم شیخ صدوق یا طریق شیخ کلینی به کتاب حسین بن سعید است ظاهراً این طور است .

یکی از حضار : عن فضل بن سوید

آیت الله مددی : این فضل بن سوید از بغدادی هاست ثقة است ایشان از او نقل می کند بفرماید .

یکی از حضار : عن هشام بن سالم

آیت الله مددی : پس همان هشام که اول گفتم ، هشام بن سالم ، عن چه کسی ؟

یکی از حضار: سلیمان بن خالد

آیت الله مددی: پس دومی را هم درست گفتم، گفتم یا سلیمان یا هشام است، معلوم شد هر دویش درست بود، در ذهن من این دو تا بود یعنی یکی از این دو تا پس معلوم شد هر دویش پشت سر هم بودند، سلیمان بن خالد زیدی بود در قیام زید هم شرکت کرد دستش را بریدند اقطع به او می گویند چون دستش را همان والی کوفه با شمشیر زد به دستش در هجوم، بعد هم امامی شد یعنی برگشت به امام صادق و الا زیدی بود جزو اجلاء، بین اهل سنت هم جزو اجلاء است ایشان به اعتبار اینکه ایشان قاری است اصلاً قرائت داشته بحث قراء قرآن است ایشان سلیمان بن خالد اقطع کوفی، بفرمایید.

یکی از حضار: و حماد بن عیسی عن شعیب عن ابی بصیر

آیت الله مددی: شعیب، شعیب بن یعقوب اقرقوفی است که پسر خواهر مرحوم ابی بصیر است این هم ثقة است، این دو تا سند.

یکی از حضار: عن فضالة عن حسین بن عثمان عن ابن مسکان عن عبد الله بن سلیمان.

آیت الله مددی: عبد الله بن سلیمان؟

یکی از حضار: بله.

آیت الله مددی: این عبد الله بن سلیمان خیلی شناخته شده نیست، این سند هم درست ببینید عن فضالة یعنی حسین بن سعید عن فضالة اینجا عطف به آن بکنید خودش عطف روایات به یکی دیگر هم کار مشکلی است پس ببینید حسین بن سعید یک از نذر بن سوید نقل کرده که مثلاً معتبر بود، دو: از اسم

یکی از حضار: حماد بن عیسی

آیت الله مددی: از حماد بن عیسی نقل کرده، حماد بن عیسی، حسین بن عیسی از حماد بن عیسی نقل نمی کند از حماد بن عثمان نقل نمی کند، از حماد بن عیسی نقل کرده که این هم یک راه دیگر. راه سوم از فضالة این هم از راه های خوب، اصلاً از راه های بسیار خوب حسین بن سعید فضالة است، هر جا بعدش فضالة چرا چون فضالة اصلش در کوفه بوده تصادفاً ایشان ازدی است از یمن است مولی هم نیست ما غالباً مولی هستند این مولی هم نیست عربی صمیم به قول آقایان از ثقات و اجلاء است ایشان میراث کوفه را برای اهواز آورده برای حسین بن سعید رحمه الله. عن فضالة

یکی از حضار: عن فضالة عن حسين بن عثمان

آیت الله مددی: حسین بن عثمان بن شریک یا نه ، دو تا حسین بن عثمان داریم هر دو هم ثقة هستند مشکل نداریم بفرمایید .

یکی از حضار: عن ابن مسکان

آیت الله مددی: ایشان هم که جزو اجلاء است بفرمایید .

یکی از حضار: عن عبدالله بن سلیمان جمیعا عن ابی عبدالله علیه السلام .

آیت الله مددی: این سه تا سند که حالا بعضی روایاتی که عبدالله بن سلیمان دارد عبدالله بن سنان هم هست این هم یکی از مشکلات است به هر حال بینید اسانید متعدد ، بفرمایید آقا .

یکی از حضار: انه سئل عن رجل كان في ارض واردة فتخرف من هو استغسل ان يصيبه احد من الغسل كيف يصنع ، قال يغتسل وان اصابه ما اصاب

آیت الله مددی: خیلی عجی است هر چه می خواهد بشود بشود وضوء بگیرد ، غسل بکند ، می گوید آقا در یک روز سردی می خوابد خوب معلوم است سرما می خورد ، مریض می شود ، انواع مرض ها هم که اضافه شده است ، حالا امام می فرمایند و ان بلغ ما بلغ این باید غسلش را بکند .

یکی از حضار: ...

آیت الله مددی: نمی دانم ، البته مشکل عرض کردم به لحاظ کارهایی که ما داریم مشکل فهرستی این روایت فقط اینکه از حسین بن سعید است ، چون حسین بن سعید عرض کردم کتابش مصنف بوده ، مصنف قاطی بوده یک مقداری ، مثلا می آورده روایت را ولو به آن عمل نکرده باشد ، دیگر چون شرحش را گفتم دیگر نمی خواهم تکرار کنم ، بفرمایید .

یکی از حضار: قال و ذكر انه كان وجع شديد الوجع

آیت الله مددی: وجع ، وجع یعنی بیمار بود شدید درد داشت بیماری داشت .

یکی از حضار: فاصابته

آیت الله مددی: شدید الوجع یکی را وجع بخوانید، یکی را وَجَع بخوانید شدید الوجع خود آن بیماری اش زیاد بود، بله.

یکی از حضار: فاصابته جنابة وهو فی مکان بارد وكانت ليلة

آیت الله مددی: وكانت ليلة باردة

یکی از حضار: شديدة الريح باردة

آیت الله مددی: خیلی هوا بلند بود و سرد هم بود خیلی، بله.

یکی از حضار: فدعوت الغم فقلت لهم احملوني فاغسلوني، فقال

آیت الله مددی: یعنی حضرت نمی توانستند تکان بخورند این قدر بیماری حضرت سنگین بود فقلت لهم احملوني

یکی از حضار: فاغسلوني.

آیت الله مددی: غسلوني باید باشد بله.

یکی از حضار: فقالوا انا نخاف عليك، فقلت لهم ليس فحملوني ووضعون على خشبات ثم

آیت الله مددی: روی چوب گذاشتند صبوا على الماء، خیلی روایت عجیبی است این روایت انصافا

یکی از حضار: استاد احتمالا آن فردی که جنب شده بوده واقعا فردی بوده امام می خواستند بکشش و الا همان

آیت الله مددی: برای خودش و قصه ی خودش هم نقل کرده دیگر، از قصه ی خودش هم نقل کردند خیلی عجیب است علی ای حال

عرض کردم ظاهر آیه هم همین است، عرض کردم که این آیه از مشکلات است چون هنوز

یکی از حضار: این را صدوق نقل نکرده است.

آیت الله مددی: بله نقل نکرده است، چون از حسین بن سعید است عرض کردم مشکل حسین بن سعید است، مشکل حسین بن

سعید است، با اینکه حسین بن سعید هم کتبش در قم بود هم بعد خودش قم آمد اصلا حسین بن سعید بعد قم آمد اصلا، بعد هم حدیث

تا حسین بن سعید همه قمی هستند دیگر، بزرگان قم هستند، صدوق هست، ابن الولید هست، نمی دانم احمد بن ادریس هست،

نمی دانم احمد اشعری هست اینها همه بزرگان قم هستند. اما کلینی و مرحوم صدوق قبول نکردند روایت را قبول نکردند.

یکی از حضار: متنش هم مشکل ندارد چون دیگر آنها غسل دادند امام را اینکه نمی شود

آیت الله مددی: می گوید نخاف علیک اصلا هوا سرد بود اصلا باد شدیدی بلند بود، اینقدر بود که امام نمی توانستند بنشینند حتی غسل بکنند من را بگذار، گذاشتند روی تخت حتی اینکه آب را روی خودشان بریزند نمی توانستند، دیگران آب، خیلی باور کردن حدیث خیلی مشکل است.

خدا رحمت کند مرحوم نائینی یک عبارت داشت که كلما ازداد صحة ازداد وهنا این عبارت را شاید شنیده باشید که اگر حدیثی خیلی صحیح بشود خیلی خیلی صحیح بشود مشکلش بیشتر است، هر چه صحیح تر بشود مشکلش بیشتر است اشکال به آن روایت بیشتر وارد است نه اینکه آن حل مشکل می کند و مثل این روایت از همان مصادیق است، ازداد صحتا چند تا سند صحیح و لکن مع ذلک اصحاب عمل نکردند این وهنش بیشتر است این عبارت مرحوم استاد

یکی از حضار: این هم هست در وسائل، شبیه این هست عنه عن حماد عن حریز عن محمد بن مسلم قال سالت ابا عبد الله عن رجل اصابه الجنابة فی ارض باردة ولا یجد الماء وعصى ان یكون الماء جامدا وقال یغتسل علی ما کان حدث الرجل علی انه بعد ذلک فمرض شرا من البرد فقال اغتسل علی ما کان فانه لا بد من الغسل و ذکر ابا عبد الله انه اضطر الیه وهو مریض فاتوه به... فاعتسل وقال لا بد من الغسل.

آیت الله مددی: گفتید عنه عن حماد که بود؟

یکی از حضار: وعنه عن حماد عن حریز، بعد از همان روایت

آیت الله مددی: عنه باز هم، ها این به حسین بن سعید زده است، این ضمیر را اگر خواستید، یکی از مشکلات وسائل هم خدمتان عرض بکنم این جور هست یعنی یک حدیث می آورد با آن سند طولانی بعد می گوید عنه که آدم می گوید عنه به چه کسی برمی گردد، دقت کردید؟ یک عنه می آورد که آدم، اینجا عنه به حسین بن سعید برمی گردد چون صاحب وسائل اعتقادش این بوده که این طریق است به حسین بن سعید آن طریق طولانی را خواندیم دیگر، از شیخ مفید و فلان تا رسید به حسین بن سعید، بعد گفت و عنه یعنی باز از کتاب حسین بن سعید نقل کرده مرحوم شیخ یعنی نقل ایشان از یک نسخه ای از کتاب حسین بن سعید که این مطلب را امام به شخص دیگری هم فرمودند آن وقت این حماد در اینجا حماد بن عیسی است چون حماد بن عیسی از حریز نقل می کند چون بعد حریز آمده حماد باید حماد بن عیسی باشد این هم سندش معتبر است این هم خوب است این هم سند معتبر است اما عرض کردم اصحاب عمل نکردند.

عرض کردم واقعا این مورد این روایت اصلا دارد که وقتی آن شخص را غسل دادند یا حضرت را غسل دادند یک ماه مریض شد یعنی اینقدر شدید بود تا یک ماه بعد از این غسل مریض شده بودند مع ذلک گفته بود لیس ... چاره‌ای نیست باید این کار بشود باید این غسل داده بشود و قبول روایت عرض کردم بسیار مشکل است و عرض کردم سر مشکل روایت حالا به قول شما تقیه، شاید عمل به ظاهر آیهی مبارکه، ظاهر آیهی مبارکه که اینطور است خوب این را که نمی‌شود انکار کرد.

ظاهر آیهی مبارکه مریض مثل مسافر است لم یجد ماء یتیمم، ظاهرش این طور است ولیکن انصافا قبول این مطلب عرض کردم برای شما من این مطلبی که آیه خیلی جزو مشکلات آیات متشابهات است اول تعجب کردید حالا کم کم برای شما روشن شد که چرا این آیه مشکل است.

علی ای حال ما عرض کردیم این مطلبی که ایشان در اینجا فرمودند احتیاجی به این مطلب نداشت که ایشان فرمودند که تفصیل قاطع، تفصیل نیست در اینجا این قید است قید بعد از آن آمده است تفصیل قاطع شرکت نیست و عرض کردیم نکته‌ی اساسی این است که اگر مادام قبل از وقت ایشان آب داشته باشند فلم تجدوا صدق نمی‌کند، اما اگر قبل از وقت آب نداشتند برویم به او بگوییم تحصیل آب بکن فلم تجدوا صدق نمی‌کند، سرش این است نه ان وجدتم الماء دنبال وجدتم الماء رفت دقت کردید؟ بعد هم ادعا کرد روایت وجود دارد پس این حرف ما تایید شد که لسان هر مورد لسان دلیل را نگاه بکنید شما که می‌خواهید این قاعده‌ی کلی را قرار بدهید با آن برنامه نساخت فرمود روایت وردت بذلک روایة، خوب آن که قاعده نشد که.

اما ما از اول گفتیم آقا به لسان دلیل این حرف‌ها را اصلا احتیاجی به آن نداریم، فلم تجدوا اگر آب داشت فلم تجدوا صدق نمی‌کند می‌گویند این آقا آب دارد، حالا می‌خواهد قبل از وقت باشد یا در وقت، فرق نمی‌کند نکته، اگر آب نداشت تحصیل ماء لازم نیست چه قبل از وقت چه بعد از وقت فرقی نمی‌کند، صدق لم تجدوا برایش صدق نمی‌کند.

یکی از حضار: فلم تجدوا که فرموده احرازش برای تیمم است برای آن شق دیگرش که نیست

آیت الله مددی: خوب نباشد.

یکی از حضار: این فلم تجدوا اگر احراز شد موضوع را

آیت الله مددی: یعنی تیمم ندارد اگر تیمم داشت باید وضوء بگیرد، مشکل ندارد، نمی‌خواهد لسان، آخر ببینید مشکل، مشکل کجاست مثلا آقایان گفتند لم تجدوا یعنی قدرت نداشتیم، گوش کنید، دقت کنید، لذا گفتند در ضیق وقت هم به همین تمسک کنید در

ضیق وقت هم مساله اختلافی است البته ادعای اجماع از علامه و اینها شده اما اختلافی است مخالف دارد، اگر ضیق وقت است می گویند آقایان ضیق وقت وضوء نگیرید تیمم بکنند، آن وقت بحث کردند که این صدق لم تجدوا می کند چون اگر بخواید وضوء بگیرد از وقت خارج می شود نماز خارج وقت می شود قضاء می شود پس این لم تجدوا صدق می کند، مشکل سر این است که حالا، اصل مشکل را دقت بکنید.

حالا ایشان با اینکه ضیق وقت بود و می دانست وقت خارج می شود وضوء گرفت یا غسل کرد، طبیعتا از وقت خارج شد، می تواند نماز بخواند یا نه چون امر به تیمم داشته دیگر امر به وضوء ندارد نائینی می خواهد این را بگوید، روشن شد؟ می گوید چون امر شد، روشن شد تفصیل قاطع للشركة به چه معناست، اگر وجدتم را به معنای قدرت بر استعمال، روشن شد چه می خواهیم بگویم؟ اگر در ضیق وقت بود می تواند آب مصرف کند مشکل ندارد اما اگر وضوء بگیرد یا غسل کند وقت خارج می شود، نماز می شود خارج از وقت.

اما آقایان گفتند تیمم بکنند در داخل وقت بخواند دقت کردید، خوب اگر مطلب این است خیلی خوب این بسیار خوب فتوا بر این است و تمسکش هم به لم تجدوا حالا دو سه تا روایت هم ذکر شده نه اینکه حالا، اما حالا دلالتش واضحیا آن بحث دیگری است نمی خواهم در فقه وارد بشوم، بحث در این است که در ضیق وقت ایشان آب هم داشت وضوء گرفت یا غسل کرد نتیجه اش این شد که غسل که کرد وقت خارج شد، وقت خارج شد، می خواهد نماز قضاء بخواند دیگر حالا وقت خارج شده است، آیا می تواند نماز بخواند با این وضوء یا نه، چون ایشان امر به تیمم داشت خواهی نخواهی امر به وضوء نداشت دقت می کنید، چون امر به تیمم داشت امر وضویش منوط بود به قدرت، قدرت برش نداشت قدرت به این معنا، پس ایشان امر به وضوء نداشته چون امر به وضوء نداشته پس وضویش باطل است یا غسلش باطل است، دارد در عروه هم این فرع را دارد.

اگر در ضیق وقت غسل کرد یا وضوء گرفت دقت کردید، نماز قضاء می شود، نماز قضاء است اینکه جای بحث ندارد، انما الکلام با این وضوء یا غسل می تواند نماز بخواند؟ اگر دلیل روی قدرت گرفتیم چون می گوید قدرت که نداشت بر آب، آن وقت در وضوء قدرت همان طور که نائینی اینجا فرمودند تفصیل قاطع للشركة، در وضوء باید قدرت باشد الان که قدرت ندارد، قدرت به معنای اینکه نماز در وقت بخواند، پس بنابراین نماز ایشان وضوی ایشان می شود باطل دو مرتبه باید وضوء بگیرد برای نماز خارج از وقت هم دو مرتبه باید وضوء بگیرد یا دو مرتبه باید غسل بکنند آن غسل کافی نبود، معلوم شد چه می خواهیم بگویم؟

اما اگر گفتیم نه دلیل وضوء تقید به قدرت پیدا نکرد وضویش اشکال نکرد اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهکم.

واضف الی ذلک نکته‌ی دیگری که حالا نمی‌خواستیم این بحث را وارد بشویم .

یکی از حضار : نظر خود شما می‌شود با

آیت الله مددی : احتمال دارد درست باشد .

نکته‌ی دیگر این است که این مطلبی که مرحوم نائینی فرمودند تفصیل قاطع این در جایی است که حکم تکلیفی باشد شاید آنجا بشود قبول کرد ، شاید اما اگر اینجا در ما نحن فیه حکم وضعی است ، همین حکم وضعی به این معنا حصول طهارت است ، بحثی که اینجا هست در حصول طهارت است نه اینکه تکلیفش چیست ، حکم تکلیفی مولوی مراد نیست در اینجا ، آنچه که در اینجا مطلوب نظر است حکم وضعی است که حصول طهارت باشد ، آن وقت دیگر در اینجا بحث سر این می‌شود که چون ظاهر آیه‌ی مبارکه امر به خود وضوء است خود ظاهر فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم به حساب الی المرافق وامسحوا برؤوسکم .

البته از همان عهد صحابه عرض کردم مخصوصا بعد از اینکه عبدالله بعد از اینکه عثمان برداشت مسالهی مسح پا را عوض کرد ، کرد غسل پا این دارد و مثلا اهل سنت از ابن عباس نقل کردند الوضوء غسلتان و مسحتان ما هم در روایت ما هم داریم ، این اشاره‌ی به این مطلب است که پا باید مسح بشود و الا اگر پا شسته بشود وضوء مثلا ثلاث غسلات و مسحة واحدة اینطور می‌شود دیگر ، سه تا شستن می‌شود یک مسح می‌شود ، الوضوء غسلتان و مسحتان آیا ، اضافه‌ی بر این آیا تکلیف این است ، تکلیف است این ؟ دقت کردید ؟

و لذا بحث دیگر باز در اینجا این است حالا چون ما باز اقلا چند تا فرع فقهی را بگوییم ، اگر کسی وقتی بخواهد وضوء بگیرد نیت وضوء نکند نیت این را بکند می‌خواهم صورتم را بشویم بعد می‌خواهم دست راستم را بشویم ، بعد می‌خواهم دست چپم ، خود اجزاء را انجام بدهد اما نیت وضوء نیتی که جامع بین اینهاست نکند آیا این هم مجزی است یا نه در باب نیت ؟ نیت بکند یکی یکی از اجزاء را مسح سر می‌کنم قربة الی الله ، مسح پا می‌کنم قربة الی الله ، چون ظاهرش امر خورده به آنها فاغسلوا امر خورده چون امر خورده امثال این امر را دارم می‌کنم قربة الی الله امثال امر است ، قصد امثال امر می‌کنم آیا این کافی است یا باید قصد وضوء بکند عنوان جامع اینها را باید قصد بکند عنوانی که اینها را جمع کرده است .

علی ای حال دیگر از بحث خارج شدیم .

یکی از حضار : فتوایش را هم بفرمایید .

آیت الله مددی: بله آقا؟

یکی از حضار: بفرمایید فتوایش را هم بفرمایید.

آیت الله مددی: نه مشکل است انصافاً مشکل است، آن غسلتان و مسحتان بیشتر نظر به رد عثمان است که یک مسحه گرفته است. علی ای حال اگر، آن وقت اینکه از کجا بفهمیم که حکم وضعی است یا حکم تکلیفی است این هم باز قسمت دیگر بحث است این به خاطر اینکه بعد از، همین آیهی مبارکه بعد تیمم لیطهرکم به، این در خود آیهی مبارکه آمده است، ذیل آیهی مبارکه آمده لیطهرکم و ان الله يحب التوابین، به نظرم این آیهی

یکی از حضار: یرید الله لیجعل الیکم من حرج ولكن یرید ان یطهرکم ویتم نعمته علیکم

آیت الله مددی: دقت کردید؟ یعنی نمی خواهد خدا حرج را بر شما قرار بدهد، حالا آن در آن روایتی که امام صادق من را روی تخت گذاشتند و شستند از حرج هم بالاتر است، آن روایت دارد که اصلاً یک ماه مریض بودند حضرت، که خیلی باز آن اعجب از این است. علی ای حال این هم یک مطلب دیگر، اگر مطلب حکم وضعی باشد لذا ما احتمال دادیم که اصلاً آیهی مبارکه ناظر به حکم وضعی باشد و اگر ناظر به حکم وضعی باشد در ضیق وقت احتمال صحت وضوء یا غسل خیلی قوی است. دیگر از این اصول خارج شدیم ما هم باز اقلاً بحث فقهی یک فایده ای دارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين